

اتفاق مذاهب در موضوع موعود آخرالزمان



جو حاکم در دوران حکومت های بنی امیه و بنی عباس و نظیر آنها سبب شد که بسیاری از حقایق اسلامی به دست فراموشی سپرده شود و در میان مسلمانان ترویج نشود و در مقابل بسیاری از چیزها که در مسیر سیاست آنها قرار می گرفت به وجود آمد و تبلیغ شد نظیر مسئله جبر، خلق قرآن و امثال آنها. جلال الدین عبدالرحمان سیوطی (1) در حالات "یزید بن عبدالملک بن مروان" که بعد از "عمر بن عبدالعزیز" به حکومت رسید می نویسد: او چون خلافت را به دست گرفت، گفت: مانند عمر بن عبدالعزیز رفتار کنی، اطرافیان او چهل نفر شیخ (عالم درباری) را پیش او حاضر کردند و همه آنها شهادت دادند که بر خلفا حساب و عذابی نیست! و او بعد از چهل روز از خلافتش (از عدالت و تقوا به ظلم و بی بندوباری) برگشت.

زمانی که منصور عباسی از مالک بن انس امام مذهب مالکی خواست کتاب "موطا" را بنویسد تا مردم را بر فقه او وادار کند با او شرط کرد که باید در کتابت از علی بن ابی طالب (ع) حدیثی نقل نمایم! و نیز (2) به او گفت: از "شواذ بن مسعود" و "شذائد بن عمر" و رخصت های "ابن عباس" اجتناب کن به هر حال در اثر جریان های اشاره شده و (3) انزوای امامان: و شهادت، تبعید و زندانی شدن آنها و مخالفت صد درصد خلفا با مطرح شدن اهل بیت (ع) سبب شد که مسئله مهدویت در میان برادران اهل سنت به دست فراموشی سپرده شود و این مقدار که در کتاب ها نقل شده و محفوظ مانده از کرامات بلکه از معجزات است که خداوند خواسته است حجت بر همه اهل اسلام تمام شود.

امروز که وضع زمان عوض شده امید است دانشمندان اسلامی این حقایق را ترویج کرده و وظیفه الهی خویش را در رابطه با این حقیقت ادا کنند. اهل سنت نیز مانند شیعه می گویند: مهدی موعود (ع) فرزند نهم امام حسین و فرزند چهارم امام رضا و فرزند بلافضل امام حسن عسکری (ع) است و در سال 255 هجری در شهر سامرا از مادری به نام نرجس متولد شده است و در آخرالزمان ظهور کرده و حکومت جهانی واحدی تشکیل می دهد.

مهدی شخصی، نه مهدی نوعی

برادران اهل سنت در رابطه با مهدی موعود می گویند: ما به مهدی نوعی عقیده داریم به عبارت دیگر ما منکر موعود نیستیم. احادیثی که از رسول خدا (ص) درباره او صادر شده مورد قبول ماست ولی می گوئیم، او هنوز متولد نشده و معلوم نیست چه کسی است اما در آینده متولد می شود و بعد از بزرگ شدن قیام می کند و حکومت جهانی واحد تشکیل می دهد. او از نسل فاطمه و از فرزندان حسین (ع) است. (4) مثلاً شبراوی شافعی در الاتحاف (5) می گوید: شیعه عقیده دارد مهدی موعود که احادیث صحیح در رابطه با او وارد شده همان پسر حسن عسکری خالص است و در آخرالزمان ظهور می کند ولی صحیح آن است که او هنوز متولد نشده و در آینده متولد شده و بزرگ می شود و او از اشراف آل البيت الکريم است.

"ابن ابی الحدید" در شرح نهج البلاغه (6) ذیل خطبه 16 می گوید: اکثر محدثین عقیده دارند مهدی موعود از نسل فاطمه (ع) است و اصحاب ما معتزله آن را انکار ندارند و در کتب خود به ذکر او تصریح کرده اند و شیوخ ما به او اعتراف کرده اند. فقط فرق آن است که او به عقیده ما هنوز متولد نشده و بعداً متولد می شود. ناگفته نماند که اهل سنت بر این گفته خود دلیلی از احادیث یا آیات نیاورده اند فقط شهرتی است که در میان ایشان به وجود آمده است و این از نتایج منزوی شدن اهل بیت (ع) و برگشتن خلافت اسلامی از آنهاست. وانگهی احادیث منقول در کتب اهل سنت عیناً عقیده شیعه را می رساند و در آن احادیث می خوانیم که "مهدی موعود (ع) دوازدهمین امام از ائمه دوازده گانه و نهمین فرزند امام حسین (ع) و چهارمین فرزند امام رضا (ع) و فرزند بلافضل امام حسن عسکری (ع) است" و نیز روایات اهل سنت می گویند که آن حضرت در سال 255 هجری در نیمه شعبان در شهر سامرا از مادری به نام نرجس به دنیا آمده است بنابراین شیعه و اهل سنت در مهدی موعود شکی ندارند و هر دو عقیده به مهدی شخصی دارند. منتها، دوران های تاریک و انزوای اهل بیت و عصر حکومت سیاه بنی امیه و بنی عباس مانع از آن شد که اهل سنت چیزی را که در کتاب های خود نوشته و نقل کرده اند در میان خود شهرت بدهند و مانند شیعه منتظر آمدن مهدی شخصی (ع) باشند.

دلایل دلالت بر وجود مهدی شخصی به روایت اهل سنت

1- محمد صالح حسینی ترمذی حنفی از سلمان فارسی نقل کرده می گوید "دخلت علی النبی (ص) فاذا الحسن علی فخذ و هو یقبل عینی و فاه و یقول: انت سید ابن سید انت امام ابن امام، نتحجة ابن حجة ابوحجج تسعة من صلیک تا سعهم قائمهم." (7) یعنی داخل محضر رسول خدا (ص) شدم ناگاه دیدم که حسین (ع) بر روی زانوی آن حضرت است. حضرت چشم ها و دهان حسین را می بوسید و می فرمود: تو آقای فرزند آقای، تو امامی، پسر امامی، تو حجتی فرزند حجتی. پدر نه نفر حجتی از صلب تو که نهم آنها قائم آنهاست. این حدیث شریف صریح است در اینکه مهدی موعود (ع) نهمین فرزند امام حسین (ع) است علی هذا متولد هم شده است بنابراین حدیث نمی شود گفت معلوم نیست مهدی چه کسی است و هنوز متولد نشده است. "عبدالله بسمل" نیز همین حدیث را عیناً نقل کرده است. (8)

2- "ابوالموید موفق خوارزمی حنفی" (متوفای 568) آن را با کمی تفاوت از "سلیم بن قیس" از "سلمان محمدی" چنین نقل می کند: "قال دخلت علی النبی (ص) واذا الحسن علی فخذ و هو یقبل عینی و یلم فاه و یقول انک سید ابن سید ابوسادة انک امام ابن امام ابواتمه، انک حجة ابن حجة ابوحجج تسعة من صلیک تاسعهم قائمهم (9)". مهدی موعود (ع) در کلام رسول خدا (ص) به احسن وجه تعیین شده و آن نهمین فرزند امام حسین (ع) است.

3- حافظ شیخ سلیمان حنفی قندوزی حدیث فوق را در ینابیع المودة باب 54 ص 168 و نیز در باب 56 ص 258 از کتاب مودة القربی تالیف سید علی بن شهاب همدانی شافعی (متوفای 786) نقل کرده است و نیز در باب 77 ص 445 باز از مودة القربی و در باب 94، ص 492 از خوارزمی به دو سند از سلمان فارسی و امام سجاد (ع) از پدرش امام حسین (ع) نقل کرده که دومی چنین است: "عن علی بن الحسن عن ابیه الحسن بن علی: دخلت علی جدی رسول الله (ص) فاجلسنی علی فخذ و قال لی: ان الله اختار من صلیک یا حسین تسعة ائمة تاسعهم قائمهم و کلهم فی الفضل و المنزلة عند الله سواء"

امام می فرماید: به محضر جدم رسول الله (ص) داخل شدم مرا روی زانوی خویش نشانید و فرمود خداوند از صلب تو نه نفر امام اختیار کرده که نهم آنها قائم آنهاست و همه در فضیلت و مقام پیش خداوند یکسانند بنابراین مهدی (ع) يك مهدی معین و نهمین فرزند امام حسین (ع) است.

ناگفته نماند که کتاب "مودة ذوی القربی" تالیف سید علی بن شهاب همدانی شافعی (متوفای 786) حاوی چهارده فصل است که شیخ سلیمان حنفی همه آن کتاب را

در "ینابیع الموده" آورده و آن را باب پنجاه و ششم این کتاب قرار داده است و در فصل دهم تحت عنوان "الموده العاشرة فی عدد الاثمه و ان المهدي منهم" حدیث مبارک فوق را چنانکه گفته شد - در ص 258 از سلیم بن قیس هلالی از سلمان فارسی از رسول الله (ص) نقل کرده است پس بنابر آنچه ما به دست آورده‌ایم حدیث فوق در کتاب های "مقتل خوارزمی" در "ارجح المطالب"، "مناقب مرتضوی"، "مودة ذوی القربی" و "ینابیع الموده" نقل شده است و دلالت بر مهدی شخصی دارد یعنی مهدی موعود (ع) فرزند نهم امام حسین (ع) است.

4- حمونی جوینی شافعی از عبدالله بن عباس نقل کرده که گفت: سمعت رسول الله (ص) یقول انا و علی و الحسن و الحسین و تسعة من ولدالحسین مطهرون معصومون» (10). شنیدم که حضرت می‌فرمود من، علی، حسن، حسین و نه نفر از فرزندان حسین همه پاک شده از طرف خدا و معصوم هستیم و نیز همین حدیث را از اصبع بن نباته از عبدالله بن عباس نقل کرده است (11) و همچنین در "ینابیع الموده" (12) از کتاب "مودة القربی" (مودت دهم) و از فرانس‌السمطین (13) نقل شده است. از این حدیث نیز روشن می‌شود که مهدی موعود (ع) فرزند نهم امام حسین (ع) است و اگر بگویند چه مانعی دارد که فرزند امام حسین باشد ولی بعدا در آخرالزمان متولد شود؟! می‌گوییم به قرینه روایات گذشته و روایات آینده، نه نفر پشت‌سر منظورند. یعنی امام دوازدهم فرزند نهم امام حسین (ع) است.

5 - شیروای شافعی مصری (متوفای 1172) در کتاب "الاتحاف بحبالالاشراف" (14) و ابن صباغ مالکی در "فصول المهمة" (15) نقل می‌کنند که: دعبل بن علی خزاعی می‌گوید: چون به محضر حضرت رضا (ع) رسیدم و در ضمن قصیده خود این دو شعر را خواندم که: خروج امام لا محالة خارج یقوم علی اسم الله و البرکات یمیز فینا کل حق و باطل و یجزی علی النعماء النقمات. حضرت رضا (ع) با گریه سرش را بلند کرد و فرمود: ای دعبل! در این دو شعر جبریل به زبان تو سخن گفته است آیا می‌دانی آن امام کدام است که قیام می‌کند؟ گفتم: نمی‌دانم، فقط شنیده‌ام که امامی از شما اهل بیت قیام کرده زمین را پر از عدل می‌کند. "فقال: یا دعبل الامام بعدی محمد ابنی و بعده علی ابنه و بعده ابنه الحسن و بعد الحسن ابنه الحجة القائم المنتظر فی غیبة المطاع فی ظهوره و لو لم یبق من الدنيا الا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی یرج فیملاء الارض عدلا کما ملئت جورا". ای دعبل! امام بعد از من پسر محمد و بعد از او پسر او ست و بعد از او حسن و بعد از حسن پسرش حجت قائم منتظر است. در غیبت مورد اطاعت خواهد بود و در وقت ظهورش اگر از عمر دنیا نماند مگر یک روز، خدا آن روز را بلند خواهد کرد تا خروج کرده و زمین را پر از عدل و داد گرداند همان طور که از ظلم پر شده باشد.

شایان ذکر است که این حدیث را شیخ‌الاسلام حمونی در فرانس‌السمطین از ابوالصلت عبدالسلام هروی (16) و حافظ قندوزی حنفی از فوائد حمونی شافعی (17) نقل کرده است.

6- شیخ‌الاسلام حمونی جوینی شافعی در فرانس‌السمطین (18) از حسین بن خالد نقل کرده که [امام] علی بن موسی الرضا (ع) فرمود کسی که ورع ندارد، دین ندارد و کسی که تقیه ندارد ایمان ندارد و "ان اکرمکم عبدالله اتقیکم" یعنی عمل کننده‌تر به تقیه. گفته شد یابن رسول الله تا کی تقیه کنیم؟ فرمود: تا روز وقت معلوم و آن روز خروج قائم ماست هر کسی تا قبل از خروج قائم تقیه را ترک کند از ما نیست.

"فقیل له یابن رسول‌الله و من القائم منکم اهل البیت؟ قال: الرابع من ولدی ابن سیدة الاماء بطهر الله به الارض من کل جور و یقدسها من کل ظلم و هوالذی یشک الناس فی ولادته و هو صاحب الغیبة قبل خروجه فاذا خرج اشرفت الارض بنوره". گفته شد یابن رسول‌الله کدامیک از شما اهل بیت، قائم است؟ فرمود: فرزند چهارم من، پسر خانم کنیزان. خاوند به وسیله او زمین را از هر ظلم پاک و از هر ستم خالی می‌گرداند. او همان است که مردم در ولایت وی شک کنند و او صاحب غیبت است و چون خروج کند زمین بانورش روشن میشود.

او همان است که زمین برای وی پیچیده شود و برای وی سایه‌ای نباشد و او همان است که منادی درباره وی از آسمان ندا می‌کند. ندایی که خدا آن را به گوش همه اهل زمین می‌رساند. منادی می‌گوید: بدانید حجت خدا در نزد کعبه ظهور کرده تابع او شوید که حق در او و با اوست و آن است قول خدای عزوجل که می‌فرماید: "ان نشا نزل علیهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين" (19). این حدیث مانند حدیث سابق دلالت بر مهدی معین دارد.

حافظ قندوزی همین حدیث را از فرانس‌السمطین نقل کرده و می‌گوید: "قال الشيخ المحدث الفقيه محمد بن ابراهیم الجوینی الحمونی الشافعی فی کتابه فرانس‌السمطین عن دعبل الخزاعی ... " (20)

7- ابن صباغ مالکی در "الفصول المهمة" (21) که آن را در معرفت ائمه نگاشته است می‌گوید: روی ابن‌الخشاب فی کتابه موالید اهل بیت یرفعه بسنده الی علی بن موسی الرضا (ع) انه قال: الخلف الصالح من ولد ابي محمد الحسن بن علی و هو صاحب الزمان القائم المهدي.

ابن خشاب ابومحمد عبدالله بن احمد بغدادی در کتاب خود که سندش را به امام رضا (ع) رسانده که آن حضرت فرمودند: خلف صالح (مهدی موعود) از فرزندان ابی محمد حسن بن علی عسکری است و او صاحب الزمان و قائم مهدی است.

8 - شیخ‌الاسلام حمونی شافعی در فرایدالسمطین (22) و موفق بن احمد خوارزمی حنفی در کتاب "مقتل‌الحسین" (23) (ع) نقل می‌کنند از ابی‌سلمی که شترچران رسول خدا (ص) بود (24) می‌گوید: از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: در شب معراج از خدای جلیل خطاب آمد: " آمن الرسول بما انزل الیه من ربه" (25). گفتم: "والمؤمنون" خطاب رسید: راست گفتمی ای محمد، کدام کس را در میان امت خود گذاشتی؟ گفتم: بهترین آنها را خطاب رسید: علی بن‌ابی‌طالب را؟ گفتم: آری پروردگارا! خطاب رسید: یا محمد! من توجه کردم به زمین، توجه کاملی و تو را از اهل زمین اختیار کردم. نامی از نام‌های خود را برای تو مشتق کردم. من یاد نمی‌شوم، مگر آنکه تو هم با من یادشوی. منم محمود و تویی محمد.

بعد دفعه دوم به زمین نظر کردم از آن "علی" را برگزیدم و نامی از نام‌های خود برای او مشتق کردم و منم اعلی و اوست علی یا محمد! من تو را و علی، فاطمه و حسن، حسین و امامان از فرزندان حسین را از شیخ نور آفریدم (26) و ولایت شما را بر اهل آسمان‌ها و زمین عرضه کردم. هر که قبول کرد در نزد من از مؤمنین است و هر که انکار کرد نزد من از کفار است. ای محمد! اگر بنده‌ای از بندگان من مرا عبادت کند تا از کار افتد و یا مانند مشک خشکی شود پس در حال انکار لایت شما پیش من آید، او را نمی‌آمرزم تا اقرار به ولایت‌شما کند. ای محمد! آیا می‌خواهی اوصیای خود را ببینی؟ گفتم: آری بار خدایا، خطاب آمد: به طرف راست عرش خدا بنگر: "فالتفت فاذا انا بعلی و فاطمه والحسن والحسین و علی بن الحسن و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و المهدی فی ضحاح من نور قیاما یصلون و هو - یعنی المهدی - فی وسطهم کانه کوکب دری و قال یا محمد هولاء الحجج و هو الثائر من عترتك و عزتی و جلالی انه الحجة الواجبة لا ولیائی والمنتقم من اعدائی".

من به طرف راست عرش خدا نگاه کردم ناگاه دیدم: علی، فاطمه، حسن، حسین، محمد بن علی، باقر، جعفر بن محمدصادق، موسی بن جعفر کاظم، علی بن موسی‌الرضا، محمد بن علی جواد، علی بن محمد هادی، حسن بن علی عسکری و مهدی در دریایی از نور ایستاده و نماز می‌خوانند و مهدی در وسط آنها مانند ستاره درخشانی بود. خدا فرمود: ای محمد! اینها حجت‌ها هستند، مهدی منتقم عترت توست به عزت و جلال خودم قسم او حجتی است که ولایتش بر اولیای من واجب است و او انتقام‌گیرنده از دشمنان من است.

حافظ حنفی قدوری، این حدیث شریف را در "ینابیع المودة" (27) از خوارزمی نقل کرده و می‌گوید: حموی نیز در فرائد آن را نقل کرده است و در ینابیع به جای "والمهدی" عبارت "و محمد المهدی بن الحسن" آمده است. این حدیث گذشته از دلالت بر مهدی شخصی حاوی اسامی مبارک همه امامان صلوات الله علیهم اجمعین- است.

9- "موفق بن احمد خوارزمی" در "مقتل الحسین" (28) و "شیخ الاسلام حموی شافعی" در "فرائد السمطين" (29) "سعید بن بشیر" از علی ابن ابی‌طالب (ع) نقل کرده‌اند که فرمود: قال رسول الله (ص) انا واردکم علی الحوض و انت یا علی الساقی و الحسن الرائد (30) و الحسین الامر و علی بن الحسین الفارط و محمد بن علی الناشر و جعفر بن محمد السائق و موسی بن جعفر محصی المحبین و المبغضین و قاصع المنافقین و علی بن موسی معین المؤمنین و محمد بن علی منزل اهل الجنة فی درجاتهم و علی بن محمد خطیب شیعتہ و مزوجهم الحور العين و الحسن بن علی سراج اهل الجنة يستنزون به و المهدی شفيعهم يوم القيامة حيث لا ياذن الله الا لمن يشاء و يرضى.

من پیشتر از شما وارد (31) حوض کوثر می‌شوم تو یا علی ساقی کوثر هستی و حسن مدیر آنست، حسین فرمانده آن می‌باشد، علی بن الحسین سابق بردیگران در رسیدن به آن، امام باقر مقسم آن، جعفر صادق سوق‌دهنده به آن، موسی بن جعفر شمارنده دوستان و دشمنان و زایل‌کننده منافقان، علی بن موسی یار مؤمنان، محمد بن علی جواد نازل کننده اهل بهشت در درجاتشان و علی بن محمد هادی، خطیب شیعه و تزویج کننده حورالعین به آنهاست، حسن بن علی عسکری چراغ اهل بهشت است. مردم از روشنایی آن روشنایی می‌گیرند و مهدی موعود شفاعت کننده آنهاست در مکانی که خدا اجازه شفاعت نمی‌دهد مگر به کسی که بخواهد و از او راضی باشد.

این حدیث مبارک نیز که برادران اهل سنت به صورت قبول، آن را نقل کرده‌اند حاوی نام‌های پاک دوازده امام است.

10- حافظ سلیمان قدوری از جابر بن یزید جعفی نقل کرده می‌گوید: شنیدم جابر بن عبدالله انصاری می‌گفت: رسول خدا(ص) به من فرمود: "یا جابر! ان اوصیای و ائمة المسلمین من بعدی اولهم علی، ثم الحسن، ثم الحسین، ثم علی بن الحسین، ثم محمد بن علی المعروف بالباقر سندرکه یا جابر فاذا القیتة فاقتره منی السلام، ثم جعفر بن محمد، ثم موسی بن جعفر، ثم علی بن موسی، ثم محمد بن علی، ثم علی بن محمد، ثم الحسن بن علی، ثم القائم، اسمہ اسمی و کنیہ کنیتی ابن الحسن بن علی ذاک الذی یفتح الله علی یدیه مشارق الارض و مغاربها ذاک الذی یغیب عن اولیائہ غیبة لا یتب علی القول بامامته الا من امتحن الله قلبه للایمان» (32) ای جابر! اوصیای من و امامان مسلمین بعد از من اول آنها علی بن ابی‌طالب است. بعد از او حسن بعد از او حسین بعد از او محمد بن علی معروف به باقر. ای جابر! تو او را درک خواهی کرد و چون به خدمتش رسیدی سلام مرا برسان بعد از او جعفر بن محمد بعد از او موسی بن جعفر بعد از او علی بن موسی بعد از او محمد بن علی بعد از او علی بن محمد بعد از او حسن بن علی بعد از او قائم آل محمد که نامش نام من و کنیہ‌اش کنیہ من است پسر حسن بن علی، او همان است که خدا با دست وی شرق و غرب زمین را فتح می‌کند، او همان است که از دوستان خویش مدت زیادی غایب می‌شود تا حدی که در اعتقاد به امامت او باقی نمی‌ماند مگر آنان که خداوند قلبشان را با ایمان امتحان کرده است.

جابر می‌گوید: گفتم یا رسول الله! آیا مردم در زمان غیبت از وجود وی منتفع می‌شوند؟ فرمود: آری به خدایی که مرا به حق فرستاده، مردم در زمان غیبت از نور ولایتش روشنایی می‌گیرند. چنان که مردم از آفتاب بهره می‌برند با آنکه زیر ابرهاست. ای جابر! اینکه گفتم از مکنونات سر خداست و از علم مخزون خدا می‌باشد آن را اظهار مکن مگر به کسی که اهلیت دارد در اینجا به دلیل ضیق مجال به ذکر موارد یاد شده اکتفا کرده و طالبان را برای مطالعه بیشتر در این زمینه به کتاب "اتفاق در مهدی موعود" از همین نگارنده ارجاع می‌دهیم.

پی نوشت ها:

- جلال‌الدین عبدالرحمان سیوطی، تاریخ الخلفاء ص 246.
- فرائد السمطين، باب 77، ص 445
- ینابیع المودة، باب 80، ص 454
- الاتحاف بحب الاشراف، ط ادبیه مصر، ص 146، 165
- فصول المهمه، فصل 8، ص 265
- فرائد السمطين، ج 2، ص 132، حدیث 430
- فرائد السمطين، ج 2، ص 336، حدیث 590
- همان مدرک، ج 2، ص 313، حدیث 563
- ما اگر بخواهیم از آسمان مشیت آیت قهری نازل گردانیم که همه به جبر گردن زیر بار ایمان فرود آرند» (سوره شعراء، آیه 4)
- ینابیع المودة باب 58، ص 258
- فرائد السمطين، ج 2، ص 337، حدیث 591
- ینابیع المودة، باب 80، ص 454 و باب 86، ص 471
- ابن اثیر در «اسد الغابه» می‌گوید: ابوسلمی چوپان شتران رسول خدا(ص) بود، نامش را «حریث» گفته‌اند. ابن حجر نیز در «الاصابه» چنین گفته است: ناگفته نماند حدیث فوق را در فرائد از خوارزمی نقل کرده است.
- مقتل الحسین، ج 1، فصل سابع فی فضائل الحسن، و الحسین، ص 96
- فرائد السمطين، ج 2، ص 319، حدیث 571
- سوره بقره، آیه 285
- در نسخه فرائد «شبح» و در نسخه مقتل خوارزمی «من سنج نور من نوری» است.
- فرائد السمطين، ج 2، ص 321، حدیث 572
- ینابیع المودة، باب 93، ص 487
- فصول المهمه، فصل ثانی عشر، ص 309، 310
- امام الصادق و المذاهب الاربعه ج 2، ص 555 به نقل از مقدمه البیض ابن عبدالبر، ص 9
- مقتل الحسین، ج 1، فصل سابع فی فضائل الحسن و الحسین، ص 94

- ینابیع الموده ، باب 94 ، ص 494
 - مقدمه موطا، ص 12، از عبدالوهاب و عبداللطیف
 - «وارد» کسی است که قبل از قافله وارد محلی می‌شود نظیر «فارسلاوا واردهم فادلی دلوه».
 - در لفظ مقتل الحسین «الزائد» با «زاء» است یعنی دورکننده دشمنان از حوض
 - منظور ما از «مهدی نوعی» همین است و گر نه اهل سنت نیز آن حضرت را فاطمی و حسینی می‌دانند
 - بشرای ، الاتحاف ، باب خامس ص 180 ذیل فصل الثانی عشر من الائمه ابوالقاسم محمد
 - ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 281
 - محمد صالح حسینی ترمذی ، مناقب مرتضوی باب دوم ص 139
 - عبدالله بسمل ، ارجح المطالب فی عد مناقب اسدالله الغالب، ط لاهور، در باب منحصر بودن امامت در دوازده نفر ص 436
 - مقتل الحسین ، خوارزمی ، ج 1، الفصل السابع فی فضائل الحسین، ص 146
- منابع:

1. تاریخ الخلفاء، جلال‌الدین عبدالرحمان سیوطی
 2. امام الصادق و المذاهب الاربعه
 3. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید
 4. فرائد السمطین
 5. ینابیع الموده
 6. فصول المهمه
 7. فرائد السمطین
 8. ینابیع الموده
 9. فصول المهمه، فصل ثانی عشر
 10. مقتل الحسین
 11. مقتل الحسین
 12. عبدالله بسمل، ارجح المطالب فی عد مناقب اسدالله الغالب
 13. فرائد السمطین
 14. ینابیع الموده
 15. فرائد السمطین
 16. الاتحاف بحب الاشراف
 17. الاتحاف، بشرای
 18. ینابیع الموده
 19. مقدمه موطا، عبدالوهاب و عبداللطیف
 20. فرائد السمطین
 21. ینابیع الموده
 22. مناقب مرتضوی، محمد صالح حسینی ترمذی
 23. مقتل الحسین، خوارزمی
 24. فرائد السمطین
- علی اکبر قرشی
خبرگزاری شیستان